

نوع مقاله: ترویجی

اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی

m.khalili70@gmail.com

tavakoli@iki.ac.ir

محسن خلیلی تیرتاشی / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

چکیده

گسترش سطح تجارت در جهان کنونی، اهمیت نظام ارزی را دوچندان کرده است. از آنجاکه اتخاذ نظام ارزی نادرست می‌تواند موجب ناپایداری اقتصاد کشورها شود، بررسی اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب ضروری است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو گروه اصول ساختاری و سیاستی جای داد. اصول ساختاری نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی عبارتند از: پیمان پولی دوجانبه و چندجانبه، استفاده از پول فراملی، تنوع سبد ارزی، تنوع مسیر انتقال ارز، تنوع منابع ارزی، استقلال نهاد پولی. اصول سیاستی نیز عبارتند از: استفاده از ابزارهای پوشش مخاطرات نوسانات نرخ ارز، قیمت شناور مدیریت شده، محدودسازی کارکرد ذخیره ارز در سطح کلان، محدودسازی تقاضای سفته‌بازی، محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش در سطح خرد، سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی تخصیص ارز، تنوع منابع عرضه ارز در بازار ارز و الزام به عرضه ارز در شرایط بحرانی. توجه به این اصول در طراحی نظام ارزی، باعث تقویت استحکام درونی نظام اقتصادی و افزایش قدرت جذب و مقابله با تکان‌های خارجی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، نظام ارزی، نظام دریافت و پرداخت ارزی، اصول حاکم بر نظام ارزی.

مقدمه

دست یابد تا با رعایت آن اصول، نظام ارزی طراحی شده دارای کمترین آسیب‌پذیری و شکنندگی و بیشترین تاب‌آوری باشد.

مطالعات صورت گرفته در مورد تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام

ارزی، بیشتر ناظر بر شیوه قیمت‌گذاری ارز بوده‌اند. کمیجانی و نادعلی

(۱۳۸۴) در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسند که نظام تک‌نرخ

انعطاف‌پذیر ارز و هماهنگی سایر سیاست‌ها، به‌ویژه سیاست پولی با

سیاست ارزی، با هدف ترکیبی ایجاد ثبات نسبی در تولید و قیمت،

موردنیاز است. از این رو، معتقد است اتخاذ نظام شناور مدیریت شده،

نظام ارزی مناسب برای اقتصاد ایران است. سیف و خوشکلام

خسروشاهی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود به بحث چگونگی

قیمت‌گذاری ارز می‌پردازند و معتقدند به دلیل مزایای نظام ارزی شناور

و همچنین امکان مدیریت نرخ ارز در مواقع لزوم، نظام ارزی شناور

مدیریت شده، نظامی مطلوب برای اقتصاد ایران است. وی در این

تحقیق به این نتیجه می‌رسد که مشکلات ساختاری و نهادی تولید،

تأثیر بیشتری نسبت به قیمت ارز بر صادرات و واردات داشته و برای

حل مشکلات موجود، اول باید به حل مشکلات ساختاری و نهادی

پرداخت و در اولویت بعدی به نرخ ارز توجه کرد. باستانی‌فر (۱۳۹۵) از

زاویه جدیدی به بحث پرداخته است. او به دنبال ساختاری است که به

شکل پدافند غیرعامل، در زمان تهدید، خسارات تحریم و دیگر تکانه‌ها

را به حداقل برساند. وی شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم بنیان را

استقلال نهاد پولی می‌داند؛ چراکه وابستگی چنین مقامی سبب

می‌شود تا مصالح بلندمدت قربانی مصالح کوتاه‌مدت دولت و جناح

خاص شود. در نهایت او دو سیاست را مناسب برای مقابله با تهدید

اقتصادی می‌داند. نخست اینکه، ساختار نهاد پولی همانند دیگر

نهادهای راهبردی نظیر نیروهای مسلح، قوه قضائیه و صداوسیما،

تحت اشراف ولایت فقیه قرار گیرد تا از بازی‌های سیاسی به دور باشد؛

دیگر اینکه، سیاست‌های پولی و ارزی، براساس قاعده بلندمدت اتخاذ

شود تا اطمینان را به اقتصاد بازگرداند.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، هر کدام به بعدی از ابعاد نظام

ارزی پرداخته‌اند. این تحقیق در ادامه پژوهش‌های انجام شده قصد دارد تا

با بررسی تمام ابعاد موضوع، به قواعد کلی دست یابد که با عمل به آن

در طراحی نظام ارزی، اقتصاد مقاومتی در این نظام تحقق یابد.

اصطلاح اقتصاد مقاومتی ابتدا توسط مقام معظم رهبری در سال

۱۳۸۹ و همزمان با افزایش فشارهای اقتصادی علیه ایران مطرح

شد. برای اقتصاد مقاومتی تعریف‌های مختلفی ارائه شده است؛ اما

تعریفی که صحیح به نظر می‌رسد این است که اقتصاد مقاومتی

شاخه‌ای از علم اقتصاد اسلامی است که به بررسی بعد استحکام و

امنیت نظام اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی می‌پردازد (توکلی،

۱۳۹۶، ص ۴۴). اقتصاد مقاومتی ابتدا به بررسی شکنندگی و

آسیب‌پذیری اقتصاد پرداخته و پس از آن با شناسایی نقاط ضعف،

اقدام به ارائه سیاست‌های اقتصادی برای افزایش تاب‌آوری در برابر

فشارهای اقتصادی و سیاسی می‌کند. بنابراین نظام اقتصادی مطلوب

از نگاه اقتصاد مقاومتی، نظامی است که دارای کمترین آسیب‌پذیری

و بیشترین تاب‌آوری باشد.

آسیب‌های اقتصاد را می‌توان به آسیب‌های بیرونی و درونی

تقسیم کرد. آسیب‌های بیرونی عبارتند از: فشارهایی که از خارج نظام

اقتصادی یک کشور به آن تحمیل می‌شود. این فشارها، هم

می‌توانند فشارهای اقتصادی، مانند بحران‌های اقتصادی باشند و هم

می‌توانند برگرفته از فشارهای سیاسی و تحریم‌ها علیه کشور باشند.

منظور از آسیب‌های درونی آن دسته از آسیب‌هایی است که برآمده از

ساختار اقتصاد کشور، شرایط جغرافیایی، فرهنگی و... هستند.

اقتصاد مقاومتی می‌تواند ناظر به هر یک از بخش‌های نظام

اقتصادی باشد. یکی از بخش‌های نظام اقتصادی نظام ارزی است

که ناظر بر دریافت و پرداخت‌های بین‌المللی نظام اقتصادی و مرز

ارتباط اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌الملل است. نظام ارزی همانند دیگر

نظام‌ها، در معرض آسیب‌های بیرونی، نظیر بحران‌های اقتصادی،

نوسانات نرخ ارز، نوسانات ورود و خروج سرمایه، تحریم‌ها و

همچنین آسیب‌های درونی، نظیر حملات سفته‌بازی قرار دارد.

بنابراین نظام ارزی کشور نیازمند طراحی الگویی است که

از یک سو، دارای کمترین آسیب‌پذیری بوده و از سوی دیگر، بیشترین

توانایی را در جذب و مقابله با تکانه‌ها داشته باشد. طراحی نظام ارزی

نیازمند یک سری اصول و قواعد کلی است تا نظام مطلوب براساس

آن اصول پایه‌ریزی شود. تحقیق پیش‌رو قصد دارد تا با بررسی

اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی، به اصولی

می‌کند تا در طراحی ساختار نظام ارزی، به‌گونه‌ای عمل کنیم که اقتصاد مقاومتی در آن محقق شود. در ادامه ضمن اشاره به این اصول، آنها را به‌صورت مختصر تبیین می‌کنیم.

۲-۱. استفاده از پیمان پولی دوجانبه و چندجانبه

مبادله بین‌المللی مانند مبادلات درون کشور، نیازمند وسیله مبادله است. اما اگر وسیله مبادله، ارز جهان‌روای یک کشور باشد، به او اختیار کنترل تجارت جهانی را می‌دهد؛ چراکه انجام معاملات به واحد پول هر کشور، مستلزم نظارت بانک مرکزی آن بر روند معاملات است تا خلق پول خارج از کنترل آن کشور صورت نگیرد (قوامی، ۱۳۹۵). به همین جهت، آن کشور می‌تواند با تهدید و تحریم اقتصادی و تجاری، سیاست‌های خود را پیش ببرد. از سوی دیگر، با رونق گرفتن یک ارز در تجارت‌های جهانی، هر مشکلی که برای آن پیش بیاید و یا هر بحرانی که برای کشورهای تأثیرگذار در آن ارز، پیش آید، مانند خون در رگ‌های اقتصاد جهانی، آن بحران سریعاً به همه کشورهای استفاده‌کننده از آن ارز منتقل می‌شود. از این‌رو، برخی کشورها به فکر استفاده از گزینه‌های جایگزین ارز جهان‌روا افتاده‌اند. یکی از این گزینه‌ها استفاده از پیمان‌های پولی است. در پیمان پولی، با هدف اصلی تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی دو یا چندجانبه، از پول ملی کشورهای مبدأ و مقصد به‌طور همزمان استفاده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دیگر نیازی به ارزهای واسط دیگری نیست.

عملکرد پیمان پولی به این شکل است که بانک‌های مرکزی کشورهای طرف پیمان، حساب‌هایی را برای دسترسی طرف مقابل به پول خود افتتاح کرده و در هر کشور یک بانک تجاری، عملیات بانکی را مدیریت می‌کند. نرخ برابری ارزها می‌تواند ثابت و یا شناور باشد. در این حالت برای انتقال ارز کالای وارداتی تاجر ایرانی به حساب ریالی نزد بانک مرکزی ایران (که آن حساب متعلق به کشور مقابل است)، مبلغ مورد توافق با شریک تجاری خود را واریز می‌کند؛ آنگاه براساس پروتکل‌های فنی بین بانک‌های مرکزی، معادل همین مبلغ از حساب ایران در کشور مقابل (که به پول ملی آن کشور است) کسر شده و به حساب صادرکننده واریز می‌شود. در پایان دوره مورد توافق، بانک‌های مرکزی این دو حساب را با یکدیگر تسویه می‌کنند (مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۸، ص ۸). در

بررسی اصول حاکم بر نظام ارزی در اقتصاد مقاومتی، نیازمند بررسی ابعاد مختلف نظام ارزی است. این ابعاد عبارتند از: میزان حضور ارز، نوع ارز، تعدد یا وحدت ارز، مسیر انتقال ارز، منابع کسب ارز، مدیریت بازار ارز، قیمت ارز، کارکرد ارز، تخصیص ارز.

به‌منظور تسهیل بررسی اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی، این اصول به دو بخش ساختاری و سیاستی تقسیم شده‌اند. اصول ساختاری اصولی هستند که ناظر بر ساختار نظام ارزی و چگونگی انجام وظایف محول شده به این نظام هستند. منظور از اصول سیاستی آن دسته از اصولی است که عمل به آنها پس از طراحی و استقرار ساختار نظام ارزی، برای مدیریت آن به‌منظور عملکرد بهینه نظام ارزی، ضروری است.

در این مقاله ابتدا به تمایز اصول ساختاری و سیاستی در نظام ارزی مطلوب می‌پردازیم و در ادامه اصول ساختاری حاکم بر نظام ارزی مطلوب و نیز اصول سیاستی نظام ارزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تمایز اصول ساختاری و سیاستی نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی

اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب در اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو گروه اصول ساختاری و سیاستی قرار داد. اصول ساختاری آن دسته از اصولی هستند که ناظر به ساختار نظام ارزی و سازوکار عمل به وظایف محول شده به آن هستند. عمل به این دسته از اصول در طراحی نظام ارزی، سبب خواهد شد ساختار نظام ارزی در برابر آسیب‌های درونی و تکان‌های بیرونی مقاوم شود.

منظور از اصول سیاستی، اصولی است که ناظر بر مدیریت و اداره نظام ارزی پس از طراحی ساختار آن هستند. پس از اتمام طراحی ساختار نظام ارزی، برای تسهیل کارکرد آن و به دست آوردن نتیجه بهینه، یک سری تصمیمات اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی گوناگون باید اتخاذ شود؛ اصول سیاستی ناظر بر همین تصمیمات و سیاست‌هاست.

۲. اصول ساختاری نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی

با بررسی ابعاد نظام ارزی، به اصولی برمی‌خوریم که ناظر بر ساختار و سازوکار عملکرد نظام ارزی هستند. این اصول به ما کمک

کشور باشد، تمایل شرکای تجاری به دلیل کاهش قدرت خرید ارزش ذخایر ارزی آنها کاهش می‌یابد. همچنین پیمان پولی تجارت خارجی را به مرور محدود به کشورهای طرف پیمان می‌کند. این امر باعث کاهش مزایای تجارت خارجی می‌شود. اما با اولویت‌بندی کشورها، کاهش نوسانات پول ملی (قوامی، ۱۳۹۵) و چندجانبه کردن پیمان پولی می‌تواند بر مشکلات پیمان پولی غلبه کرد.

۲-۲. استفاده از پول فراملی

مبنای پیمان پولی، تهاوتر است و به دلیل مشکلات تهاوتر، استفاده از آن در بلندمدت و برای همه نیازهای تجاری مقدور نیست؛ به همین جهت کشورها ناگزیر به استفاده از پول جهان‌روا هستند. استفاده از پول ملی یک کشور به‌عنوان ارز جهان‌روا مشکلاتی را برای اقتصاد بین‌الملل به‌دنبال دارد. جهان‌روا شدن ارز یک کشور سبب ایجاد مزیتی می‌شود که براساس آن، آن کشور می‌تواند دست به استقراض بی‌قاعده از اقتصادهای دیگر بزند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۴۹). همچنین جهان‌روا شدن پول یک کشور او را تبدیل به یک قدرت سیاسی می‌کند. چنین کشوری با در اختیار داشتن اقتصاد جهان می‌تواند با استفاده از ابزارهایی نظیر تحریم، کشورهای مخالف خود را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل اقتصاددانان به‌دنبال ارزی هستند که هم جهان‌روا باشد و در همه کشورها اعتبار داشته باشد و هم اینکه اختصاص به کشور خاصی نداشته باشد. برای ارز جهان‌روای فراملی، پیشنهادها مختلفی ارائه شده است؛ مهم‌ترین این پیشنهادها عبارتند از: حق برداشت مخصوص (SDR)، بانکور (Bankor) و پشت سبز جهانی (Greenback).

الف. حق برداشت مخصوص: بنابراین پیشنهاد، هر کشوری نزد صندوق بین‌المللی حساب ذخیره یا سپرده‌ای خواهد داشت. براساس این سپرده کشورها می‌توانند هر زمان که اراده کنند طلا یا ارز کشور دیگری را که برای تسویه کسری تراز پرداخت‌هایشان ضروری است، از آن برداشت کنند. مقامات پولی کشورها قادر خواهند بود از حساب‌های سپرده‌ای خود در صندوق بین‌المللی پول همان‌گونه که اکنون ما از حساب جاری خود در بانک‌ها استفاده می‌کنیم، بهره ببرند (همان).

ب. بانکور: بانکور که توسط کینز مطرح شد، از لحاظ کارکرد شبیه حق برداشت مخصوص است؛ اما ساختار حقوقی و قانونی آن کمی متفاوت است. براساس ساختار بانکور، این امکان به وجود می‌آید تا از

پایان دوره اگر مجموع واردات با مجموع صادرات برابر بود، تسویه به‌صورت تهاوتر انجام خواهد شد. اما اگر کسری تجاری و یا مازاد تجاری به‌وجود آمد، می‌توان تسویه را از طریق طلا یا دیگر دارایی‌های ارزشمند، انجام داد (قوامی، ۱۳۹۵).

استفاده از پیمان پولی دوجانبه دارای مزایایی است که کشورهای زیادی را جذب خود کرده است. خروج از سلطه ارز کشور ثالث، ارتقای ارزش پول ملی، رشد اقتصادی، ایجاد ثبات و بهبود انتظارات و پوشش ریسک، از جمله این مزایا هستند. پیمان پولی با خارج کردن ارز واسط از مبادلات دو طرفه، مبادلات را از تحت اشراف کشورهای دیگر خارج می‌کند. در این‌صورت دیگر کشوری غیر از کشورهای طرفین پیمان، توانایی مداخله در مبادلات را نخواهد داشت. از سوی دیگر، با استفاده از پول ملی در مبادلات بین‌المللی، ارزش پول ملی ارتقاء یافته و به همان میزان از ارزش و قدرت ارز جهان‌روا کاسته می‌شود. همچنین پیمان پولی از طریق افزایش تجارت، امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های بالقوه را با توجه به مزیت‌های نسبی موجود قابل خلق، به وجود آورده و موجب رشد اقتصادی می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۳). مزیت دیگر پیمان پولی، بهبود انتظارات است. استفاده از ارز ملی، انتظارات را نسبت به آینده بهبود می‌بخشد؛ چراکه در صورت وقوع بحران اقتصادی و بحران برای ارز یک کشور، این بحران به شکل سلسله‌وار به همه کشورهای منتقل نمی‌شود. از سوی دیگر، با خروج مبادلات و سلطه ارز واسط، احتمال تحریم و قطع روابط تجاری از بین می‌رود. از این‌رو، ثبات نسبی بر اقتصاد کشور حکم‌فرما خواهد شد؛ و در نهایت، از آنجاکه قبل از پیمان پولی، ارزش ارزهای محلی به شکل دقیق مشخص می‌شود، میزان نوسان آنها کاهش خواهد یافت.

اما این نوع از پیمان با چالش‌هایی مواجه است؛ مثلاً این پیمان با کشوری قابل انعقاد است که تراز تجاری آن به تعادل نزدیک باشد. براین اساس نمی‌توان با کشورهایی که فقط صادرکننده و یا فقط واردکننده هستند، پیمان پولی منعقد کرد (مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۸، ص ۱۶). از سوی دیگر، مسائلی مانند تحریم‌ها و فشارهای سیاسی باعث می‌شود شرکای تجاری متمایل به انعقاد پیمان پولی نباشند (همان، ص ۱۷). مسئله دیگر، تورم و کاهش ارزش پول است. اگر کشور طرف پیمان گرفتار تورم باشد، باعث کاهش قدرت خرید ذخایر ارزی می‌شود؛ اما اگر تورم در داخل

آسیب‌پذیری نظام ارزی از ناحیه ذخایر ارزی شده‌اند. از این‌رو، برخی پژوهشگران، تشکیل سبد ارزی و تنوع‌بخشی به آن را به‌عنوان بهترین وسیله برای حفظ منافع اقتصادی کشور در برابر این مشکلات پیشنهاد داده‌اند. پژوهشگران استدلال می‌کنند که تشکیل سبد ارزی و تنوع‌بخشی به آن، سبب مقاومت بیشتر نظام ارزی در برابر این مشکلات شده و در این صورت، خسارت وارد شده بر اثر آسیب‌ها، به حداقل می‌رسد. بنابراین سبد ارزی به‌عنوان ابزاری مناسب در مقابل هرگونه تهدید پولی و ارزی عمل خواهد کرد. مسئولان پولی و ارزی کشور باید با بررسی وضعیت بازار ارز و پیش‌بینی‌های موجود در خصوص ارزش برابری ارزها و اوضاع سیاسی جهان، از قدرت مانور کافی برای تبدیل ارزها، به‌ویژه ذخایر ارزی کشور برخوردار بوده و بتوانند از بروز خسارات در شرایط وقوع بحران‌های ناگهانی و ناشی شده از عوامل بیرونی، تا حدود زیادی جلوگیری کنند (واعظ و همکاران، ۱۳۹۰).

تشکیل سبد ارزی و تنوع‌بخشی به آن، وابستگی کشور را به یک ارز خاص کاهش می‌دهد و قدرت مانور را در شرایط بحرانی افزایش می‌دهد. برای مثال اگر تمرکز کشور بر روی ارزهای دلار و یورو باشد، با بروز بحران در کشورهای غربی و کاهش ارزش ارزهای آنان، ذخایر ارزی نیز دچار نوسان شده و ارزش آن کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، با وقوع تحریم‌هایی که مانع به‌کارگیری ذخایر ارزی، از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، مبادلات تجاری بین‌المللی کشور، دچار بحران خواهد شد. اما اگر متناسب با نیازهای کشور، بر طیف وسیع‌تری از ارزها تکیه شود، در شرایط بحرانی آسیب کمتری متوجه نظام ارزی کشور می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر بخشی از ذخایر ارزی کشور به شکل ین ژاپن و یا یوان چین نگهداری شود، در شرایطی که ارزش دلار و یا یورو دچار نوسان شوند، ذخایر ارزی نوسان نسبتاً کمتری را تجربه خواهند کرد. همچنین اگر بخشی از ذخایر ارزی به شکل ارزهای کشورهایهایی که شریک تجاری ایران به حساب می‌آیند، (به‌عنوان مثال دینار عراق)، نگهداری شود، کشور دیگر نیازی به ارزهای واسط برای مبادلات دوطرفه نخواهد داشت. بنابراین در صورت تحریم از سوی آمریکا و یا اتحادیه اروپا مشکلی در روند مبادلات بین دو کشور پدید نخواهد آمد. البته در تنوع‌بخشی به سبد ارزی، نیابستی بی‌گدار به آب زد و بر هر ارزی تکیه کرد. ارزهای مورد استفاده در سبد ارزی باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که اهداف کشور از نگهداری ذخایر ارزی را به خوبی تأمین کنند.

محل مازاد تجاری اقتصادهای دارای مازاد، کسری اقتصادهای دیگر پوشش داده شود تا ضمن مدیریت تقاضای مؤثر کل جهانی، رشد اقتصاد جهانی توزیع عادلانه‌تری داشته باشد (دینی ترکمانی، ۱۳۹۱).
ج. پشت سبز جهانی: این پیشنهاد توسط استیگلیتز ارائه شد. این ایده در حقیقت همان حق برداشت مخصوص است که برخی از انتقادات به آن، اصلاح شده است. براساس این ایده، حق رأی، به خلاف حق برداشت مخصوص، ارتباطی با دارایی کشورها در صندوق ندارد. بنابراین کشورهای در حال توسعه به‌همان میزان از منافع آن بهره‌مند خواهند شد که کشورهای توسعه‌یافته بهره‌مند می‌شوند. همچنین انتشار آن برخلاف حق برداشت مخصوص، که انفاق و با رأی کشورهای عضو انجام می‌شد؛ با توجه به نیاز اقتصاد جهانی به نقدینگی انجام خواهد شد (استیگلیتز، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱).

این موارد، پیشنهادهایی است که در عرصه اقتصاد جهانی مطرح و به آنها پرداخته شده است. مواردی نظیر حق برداشت مخصوص نیز در خارج اجرا شده‌اند. استفاده از پول فراملی، اختصاص به این پیشنهادها ندارد؛ بلکه می‌توان با توجه به نیازهای موجود، با همراهی شرکای تجاری که می‌تواند کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و یا کشورهای اسلامی باشد، اقدام به ابداع واحد فراملی جدیدی کرد که پاسخگوی نیازهای کشورهای عضو آن باشد.

۳-۲. تنوع سبد ارزی

بانک مرکزی ایران همواره به‌دلیل تأمین مالی کسری تراز پرداخت‌ها، تأمین نقدینگی مبادلات بین‌المللی، کاهش ریسک دارایی‌ها، افزایش توان رقابتی کشور در امور سرمایه‌گذاری، کنترل ریسک‌های نقدینگی، ایجاد ثبات در بازار ارز و ایجاد عایدی و درآمد برای کشور، به نگهداری ذخایر ارزی بین‌المللی توجه خاص داشته است. از سوی دیگر، مسائلی همچون، نوسان‌های ارزش یورو و سایر ارزهای موجود در سبد ذخایر ارزی بانک مرکزی در برابر دلار، وقوع بحران‌های مالی فراگیر در سال‌های اخیر و سرایت آن به دیگر کشورها، تک‌محصولی بودن اقتصاد و وابستگی شدید آن به درآمدهای بی‌ثبات نفتی که موجب نوسان ذخایر ارزی کشور شده، و در نهایت محدودیت‌هایی همچون محدودیت دسترسی به منابع بازارهای مالی بین‌المللی و کنترل جریان‌های سرمایه که عمدتاً به‌دلیل تحریم اقتصادی و مالی آمریکا صورت پذیرفته است، سبب

خزانه‌داری آمریکا خارج شود، تا نظام دچار کمترین آسیب شود. پژوهشگران برای متنوع ساختن مسیرهای انتقال ارز، پیشنهادهای مختلفی ارائه کرده‌اند، که عبارتند از:

۱. تغییر در اکوسیستم انتقال ارزی و نظام تجاری: براساس این راهبرد، برای کاهش آسیب‌پذیری نظام ارز، در بلندمدت مسیر انتقال ارز و مبادلات تجاری باید به سمت کشورهای همسو مانند روسیه و چین منتقل شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷).

۲. انعقاد پیمان‌های پولی با طرف‌های تجاری: براساس این راهبرد، در ازای هر پیمان پولی یک مسیر مستقل نقل و انتقال ارز پدید می‌آید، که این امر سبب تنوع در مسیر انتقال ارز خواهد شد.

۳. طراحی پیام‌رسان غیرمتمرکز: منطق تنوع‌گرایی در حوزه مالی و بانکی، نهادهای فعال در این حوزه را به سمت ایجاد سامانه‌های متعدد برای اطمینان از ارائه خدمات مطلوب سوق داده است. این سامانه‌ها علاوه بر سیستم‌های اصلی، در حوزه پیام‌رسانی هم از بسترهای مختلف بهره می‌گیرند. برخی از این سامانه‌ها از تکنولوژی متمرکز و اخیراً برخی، از سامانه‌های توزیع‌شده و مبتنی بر تکنولوژی بلاکچین استفاده می‌کنند. این سامانه‌ها موازی سوئیفت بوده و نه تنها ریسک‌های اقتصادی و سیاسی مانند تحریم ارزی را برای کشور مصرف‌کننده کاهش می‌دهد؛ بلکه با ارائه خدمات ارزان‌تر، سریع‌تر و امن‌تر، خدمات مطلوب‌تری به مشتریان عرضه می‌کنند (مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

۲-۵. تنوع منابع ارزی

یکی دیگر از مسائلی که سبب آسیب‌پذیری نظام ارزی شده، تمرکز در منابع ارزی است. اقتصاد ایران، اقتصادی نفتی است که تقریباً همه جنبه‌های آن به‌نجوی با نفت و مسائل مربوط آن ارتباط دارد. منابع ارزی اقتصاد ایران در دلارهای نفتی خلاصه می‌شود. همین مسئله باعث شده تا هر مسئله‌ای که برای صادرات نفت پیش می‌آید، اقتصاد ایران دچار مشکل و بحران شود. برای مثال، کاهش صادرات نفت سبب کسری بودجه، کاهش عرضه ارز از سوی بانک مرکزی، بحران نقدینگی ارز و... می‌شود. از سوی دیگر، افزایش صادرات نفت، سبب افزایش درآمدهای نفتی، کاهش قیمت ارز، واردات بی‌رویه و صدمه زدن به تولید ملی می‌شود. افزایش و کاهش قیمت جهانی نفت نیز از طریقی مشابه سبب ایجاد مشکل برای

متنوع‌سازی سبد ارزی، به‌معنای کاهش اتکا به دلار در ذخایر ارزی است، که نتیجه آن کاهش نقش دلار در مبادلات خارجی است. این امر سبب تضعیف دلار خواهد شد. تضعیف دلار برای ایران که اصلی‌ترین منبع ارز آن دلارهای حاصل از فروش نفت است، در کوتاه‌مدت خوشایند نخواهد بود؛ زیرا تضعیف دلار به‌معنای کاهش ارزش قدرت خرید کشور در حوزه‌های غیردلاری، مانند اروپا و شرق آسیاست. از سوی دیگر، از آنجا که نفت در بازارهای جهانی با دلار خرید و فروش می‌شود، تنوع‌بخشی به سبد ارزی مستلزم دریافت دلار نفتی و تبدیل آن به دیگر ارزهاست. این عملیات سبب افزایش هزینه مبادلات می‌شود.

اما در نهایت با توجه به پیامدهای مثبت متنوع‌سازی سبد ارزی، می‌توان گفت پیامدهای منفی آن به‌چشم نمی‌آید. بنابراین برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی، تنوع سبد ارزی ضروری به‌نظر می‌رسد.

۲-۴. تنوع مسیر انتقال ارز

یکی از مسائلی که نظام ارزی کشور را با مشکل مواجه کرده است، تمرکز مسیرهای انتقال ارز است. وابستگی کشور به دلار و استفاده از آن به‌عنوان تنها ارز جهان‌روا به‌عنوان وسیله مبادله و ذخیره ارزش در طول سالیان دراز، سبب شده تا مسیرهای انتقال ارز نیز به مسیرهای نقل و انتقال دلار خلاصه شود. سوئیفت که مشهورترین مسیر انتقال دلار است، یک پیام‌رسان مالی است که این امکان را به بانک‌ها می‌دهد در یک محیط امن با سایر بانک‌ها ارتباط برقرار کنند و به انتقال وجوه در فضای بین‌المللی بپردازند. امنیت و آسانی استفاده از آن سبب شده تا سوئیفت پرطرفدارترین مسیر نقل و انتقال دلار در جهان به حساب آید. اما از سوی دیگر، این سامانه متمرکز بوده و تحت نظارت وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد. از این‌رو، آمریکا بر همه تراکنش‌های انجام‌گرفته به‌وسیله سوئیفت اشراف داشته و به نوعی کنترل اکثر تراکنش‌های بین‌المللی را در اختیار دارد. همین امر سبب شده تا استفاده از ابزار تحریم مالی برای آمریکا به ابزاری کم‌هزینه و با اثرگذاری بالا مبدل شود.

بنابراین برای کاهش آسیب‌های ارزی، ضروری به نظر می‌رسد که کشور مسیرهای انتقال ارز خود را متنوع سازد. براین‌اساس باید مسیر انتقال ارز به هر طریقی از تحت اشراف بودن وزارت

خواهد کرد. درحالی که تصمیم‌گیری به روش قاعده‌گرا، مسیر اقتصادی کشور را مشخص می‌کند. این امر سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران، خود را با شرایط پیش‌رو وفق دهند و در مواردی اقدام به سرمایه‌گذاری کنند که هم از بیشترین بازدهی برخوردار باشد و هم به مسیر پیشرفت کشور کمک کند.

بنابراین روش تصمیم‌گیری در حوزه نظام ارزی که می‌تواند مفید باشد، روش قاعده‌گراست. اما نهاد پولی در اقتصاد کشور به دلیل وابستگی به دولت، وابستگی دولت به نفت، وابستگی نفت به تصمیم‌های سیاسی در جهان و کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی قادر به تصمیم‌گیری‌های بلندمدت نیست و سیاست‌های پولی بیشتر برای مقابله با شرایطی بوده که در اختیار و کنترل نهاد پولی نبوده است.

عدم استقلال نهاد پولی، سبب بروز مشکلات دیگری نظیر چرخه سیاسی پول، سلطه مالی و ناسازگاری زمانی نیز می‌شود. براساس چرخه سیاسی پول، فرایندهای انتخاباتی باعث می‌شوند که انتخاب مقام پولی متناسب با منافع گروه سیاسی حاکم بر جامعه انجام شود. بنابراین تصمیم‌های مقام پولی براساس تمایل و گرایش حزب حاکم در دوره زمانی حکمرانی است که ممکن است لزوماً با اهداف کلان اقتصادی سازگار نباشد. همچنین براساس نظریه سلطه مالی، اگر نهاد پولی به دولت به‌عنوان مقام مالی وابسته باشد، فرایند خلق پول و اعتبار و سیاست‌های پولی به صورت درون‌زا و متأثر از نوسانات بودجه دولت تعیین می‌شود؛ درصورتی که سیاست‌های پولی خود باید برای پیش‌برنده بودن و اثرگذاری بر بخش واقعی، برون‌زا باشند. براساس نظریه ناسازگاری زمانی، بنگاه‌های اقتصادی برای تصمیم‌گیری درخصوص سرمایه‌گذاری‌ها، به اطلاعات شفاف و کامل از آینده اقتصاد نیاز دارند. در صورت اعمال سیاست‌های صلاح‌دیدی و کوتاه‌مدت، مقام پولی نمی‌تواند آینده روشنی را از اقتصاد کشور ترسیم کند؛ بنابراین بنگاه‌ها همواره با ریسک و نااطمینانی فزاینده از سیاست‌های آتی اقتصادی روبه‌رو هستند.

با توجه به آسیب‌هایی که در صورت عدم استقلال نهاد پولی پیش می‌آید، استقلال نهاد پولی ضرورت می‌یابد. از این رو، برای کاهش آسیب‌های نظام ارزی، استقلال نهاد پولی یکی از اصول ساختاری نظام ارزی خواهد بود.

تاکنون به اصول ساختاری حاکم بر نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی پرداخته شد. انتظار می‌رود با عمل به این اصول در

اقتصاد ایران می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که خرید و فروش نفت در بازارهای جهانی به وسیله دلار انجام می‌شود، ناخودآگاه کشور را به دلار وابسته می‌کند. همین امر سبب تمرکز در سبد ارزی و منابع ارزی می‌شود که رهایی از آن، زمان‌بر و هزینه‌بر است.

بنابراین می‌توان گفت: بنیادی‌ترین عامل ضعف ساختاری و به‌تبع آسیب‌پذیری اقتصاد ایران، وابستگی اقتصاد کشور به فروش نفت است.

راه برون‌رفت از این وضعیت، تنوع‌بخشی به منابع ارزی است. حمایت از صادرات و بخش‌هایی که پتانسیل صادراتی دارند؛ مانند شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های فنی، مهندسی و کنسرسیوم‌های صادراتی و شرکت‌های مدیریت صادرات، سبب تنوع‌بخشی در منابع ارزی می‌شود که علاوه بر کاهش مخاطرات تأمین ارز توسط نوسانات بازار، اثرات تحریم را نیز کاهش می‌دهد.

۲-۶. استقلال نهاد پولی

اصل دیگری که به استقرار اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی کمک می‌کند، اصل استقلال نهاد پولی است. براساس این اصل، اگر نهاد پولی از استقلال کافی برخوردار باشد، می‌تواند بدون در نظر گرفتن شرایط کوتاه‌مدت اقدام به سیاست‌گذاری بلندمدت و سامان‌دهی انتظارات مردم و سرمایه‌گذاران نسبت به آینده کند. برای مثال، در صورت عدم استقلال نهاد پولی، این نهاد به ابزاری برای پیش‌برد سیاست‌های دولت تبدیل می‌شود (باستانی‌فر، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری پولی به دو روش صلاح‌دیدی و قاعده‌گرا انجام می‌گیرد. در روش صلاح‌دیدی، نهاد پولی تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کند که در همان دوره تصمیم‌گیری اجرا کند؛ یعنی سازوکار تصمیم‌گیری مبتنی بر شرایط و اهداف کوتاه‌مدت است. اما در روش قاعده‌گرایی، تصمیم‌هایی که نهاد پولی در یک دوره زمانی اتخاذ می‌کند، برای اجرا در دوره‌های آتی است؛ به عبارتی تصمیم‌گیری مبتنی بر شرایط و اهداف بلندمدت اقتصاد است (همان). روش صلاح‌دیدی اگرچه به‌صورت موردی به‌عنوان مسکن در شرایط بحرانی می‌تواند مفید باشد؛ اما استفاده مکرر از این روش در بلندمدت، سبب از بین رفتن تعادل در اقتصاد کلان می‌شود؛ زیرا در این صورت، قاعده مشخصی بر اقتصاد کشور حکم‌فرما نخواهد بود و این امر تصمیم‌گیری را برای مردم و سرمایه‌گذاران مشکل

طراحی ساختار نظام ارزی، اقتصاد مقاومتی در این نظام تحقق یابد. با تحقق اقتصادی مقاومتی در نظام ارزی، این نظام از یک سو، دارای ساختاری مقاوم خواهد بود، که خود ایجاد آسیب و بحران نخواهد کرد؛ از سوی دیگر، این نظام قادر خواهد بود تکانه‌های خارجی را که بر نظام ارزی فشار وارد می‌کنند در خود جذب کرده و با آنها مقابله کند.

۳. اصول سیاستی نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی

در بخش قبل به اصول ساختاری نظام ارزی در نگاه اقتصاد مقاومتی پرداخته شد. پس از بررسی اصول ساختاری نوبت به بررسی اصول سیاستی می‌رسد. این اصول عبارتند از: استفاده از ابزارهای پوشش نوسانات نرخ ارز، قیمت شناور مدیریت‌شده، محدودسازی تقاضای سفته‌بازی، محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش، سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی در تخصیص ارز، تنوع منابع عرضه ارز و الزام به عرضه ارز در شرایط بحرانی.

۳-۱. استفاده از ابزارهای پوشش مخاطرات نوسان نرخ ارز

نوسانات نرخ ارز، پدیده‌ای است که بسیاری از تاجران و تولیدکنندگان را در بسیاری از کشورها با مشکل مواجه کرده است. نوسان نرخ ارز، سبب پیدایش مخاطرات گوناگون شده و ترسیم آینده‌ای روشن را برای تاجران و تولیدکنندگان دشوار می‌کند. برای برون‌رفت از این وضعیت، ابزارهای مالی گوناگونی برای پوشش مخاطرات نوسان نرخ ارز ارائه شده است. برخی از این ابزارها مانند قراردادهای سلف و اختیار معامله، برای پوشش مخاطرات کوتاه‌مدت و برخی دیگر مانند تهاوتر ارزی، به جهت پوشش مخاطرات بلندمدت طراحی شده‌اند.

الف. قرارداد سلف: قرارداد سلف یا آتی قراردادی است که براساس آن، خرید و فروش اوراق بهادار یا کالا با قیمت‌های تثبیت‌شده برای تاریخی در آینده منعقد می‌شوند (مریدی، ۱۳۷۳، ص ۶۳). قرارداد سلف ارزی نیز بر همین اساس منعقد می‌شود. در قرارداد سلف ارزی، پول‌های رایج کشورها برای تاریخی معین در آینده، مثلاً، برای مدت سه یا شش ماه آینده معامله می‌شوند. تفاوت میان نرخ نقدی ارز با نرخ آتی یا سلف آن براساس ریسک مبادله، که همان امکان تقویت یا تضعیف پول در آینده است، تعیین می‌شود (همان).

با استفاده از این ابزار ارزی، فعالان اقتصادی که در آینده نزدیک نیاز به ارز دارند، اما از نرخ ارز در زمان آینده مطمئن نیستند؛ اقدام به خریداری ارز به نرخ معینی کرده و برنامه‌ریزی خود را براساس آن انجام می‌دهند. در مقابل، گروهی از فعالان اقتصادی که در آینده نزدیک درآمد ارزی خواهند داشت، برای قطعی شدن معادل ریالی درآمد خود و پرهیز از مخاطرات نوسان نرخ ارز، اقدام به فروش ارز خود به نرخ معین کرده و برنامه‌ریزی خود را براساس آن انجام می‌دهند.

در سطح کلان، با استفاده فعالان اقتصادی از این ابزار، از مقدار و شدت نوسان‌های نرخ ارز کاسته می‌شود؛ چراکه هنگام تغییر نرخ ارز، فعالان اقتصادی از خرید و یا فروش ارز خود مطمئن بوده و احتیاجی به مراجعه فوری به بازار ارز ندارند. بنابراین بازار از شوک هجوم عرضه و هجوم تقاضا در امان خواهد بود.

ب. قرارداد اختیار معامله: اختیار معامله قراردادی دوطرفه بین خریدار و فروشنده است که براساس آن خریدار قرارداد حق (نه الزام و تعهد) دارد که مقدار معینی از دارایی مندرج در قرارداد را با قیمت معین و در زمانی مشخص بخرد یا بفروشد. بنابراین براساس این قرارداد، دو طرف توافق می‌کنند که در آینده معامله‌ای انجام دهند. در این معامله خریدار اختیار معامله، در ازای پرداخت مبلغ معینی، حق خرید یا فروش دارایی مندرج در قرارداد را در زمانی مشخص و با قیمتی که هنگام بستن قرارداد تعیین شده است، به‌دست می‌آورد. از سوی دیگر، فروشنده قرارداد اختیار معامله، در مقابل اعطای این حق به خریدار با دریافت مبلغ معینی هنگام عقد قرارداد، براساس مفاد قرارداد، آماده فروش و یا خرید دارایی مذکور است. ج. تهاوتر ارزی: تهاوتر ارزی نوعی قرارداد مالی است که در آن طرفین قرارداد صرفاً مقادیر مشخصی از دو پول مختلف را در یک‌زمان با یکدیگر مبادله می‌کنند و در زمانی دیگر (سررسید) وجوه مبادله‌شده، به طرفین مسترد می‌گردد (میسمی و همکاران، ۱۳۹۳).

براساس این قرارداد، افرادی که ارز در اختیار دارند و در آینده به آن احتیاج دارند، اما در زمان حال قصد استفاده از معادل ریالی آن را دارند، به‌جای آنکه برای گریز از ریسک نوسان قیمت ارز آن را به‌صورت نقد نگهداری کنند، آن را به بانک می‌فروشند. بانک نیز به آنها تعهد می‌دهد در زمان توافق‌شده آن مقدار ارز را با قیمت تعیین شده به فرد بفروشد. بانک تجاری برای از بین بردن ریسک این معامله، خود قرارداد تهاوتری با بانک مرکزی انعقاد می‌کند.

با اجرای تهاوتر ارزی، سه گروه سود می‌برند؛ گروه اول و دوم، تجار

این نظام ارزی، یک نهاد پولی مرکزی به نام بانک مرکزی موظف می‌شود که نرخ برابر پول داخلی را با یک یا چند پول خارجی اعلام کند. معمولاً در این نظام، نرخ برابری ثابت با پول واحد مانند دلار و یا سبدهی از ارزهای مهم دنیا مانند دلار آمریکا، پوند انگلیس و یورو اروپا مشخص می‌شود. نرخ ارز در این نظام ارزی براساس قانون تثبیت می‌شود نه براساس سیاست؛ و بانک مرکزی موظف است پول داخلی را با پول خارجی که نرخ برابری با آن تثبیت شده است، معاوضه کند. این نرخ وقتی تغییر می‌کند که قانون آن را تغییر دهد (همان).

در میان این دو مدل افراطی، طیف وسیعی از نظام‌های نرخ ارز وجود دارند که نظام ارزی خزنده مرزدار و نظام شناور مدیریت شده دو نمونه از آنها هستند.

نظام شناور مدیریت شده نظامی است که مسئولان اقتصادی کشور هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال مدیریت نرخ ارز ندارند تا براساس آن اهداف را اعلام کنند؛ ولی نسبت به اینکه نرخ ارز در چه سطحی باید قرار گیرد، نظر دارند و برای اعمال نظر خود وارد عمل می‌شوند. مسئولان در نظام شناور مدیریت شده، هیچ مرز یا نرخ برابری اعلام نمی‌کنند و اگر نرخ ارز افزایش شدیدی پیدا کند، خود را مسئول می‌دانند که دخالت کنند و در این راستا نرخ بهره را تغییر می‌دهند و یا جریان ورود و خروج سرمایه را به‌منظور تأثیر بر نرخ ارز تحریک می‌کنند (همان).

در مورد برتری نظام‌های نرخ ارز بر یکدیگر نمی‌توان قضاوت کرد. هر نظام نرخ ارزی مناسب شرایط اقتصادی خاص خود است و ممکن است نظام نرخ ارز مطلوب برای یک کشور با نظام نرخ ارز مطلوب کشور دیگر متفاوت باشد. حتی ممکن است نظام نرخ ارز مناسب برای کشور در شرایط خاص، با نظام نرخ ارز مناسب در شرایط دیگر برای همان کشور متفاوت باشد. بنابراین برای انتخاب یک نظام نرخ ارز مناسب ابتدا باید شرایط کشور سنجیده شده و مناسب با آن نظام نرخ ارز انتخاب شود. عواملی که در انتخاب نظام نرخ ارز مؤثر هستند، عبارتند از:

الف. اهداف سیاستی: برای انتخاب یک نظام نرخ ارز مناسب، بایستی دید هدف اقتصاد کشور در آن شرایط و اولویت‌های آن چیست. اهداف مختلف نظیر تأمین تراز تجاری، ثبات و تعادل داخلی، افزایش کارایی و افزایش تولید، هر کدام نوع خاصی از نظام نرخ ارزی را می‌طلبد (عربی، ۱۳۸۰).

ب. ویژگی‌های ساختاری: هر کدام از ویژگی‌های ساختاری یک

و بانک‌های تجاری هستند که با اجرای این قرارداد ریسک نوسان قیمت ارز در آینده را پوشش می‌دهند. گروه سوم، بانک‌های مرکزی هستند که با کنترل نوسان نرخ ارز، به ثبات اقتصاد کمک می‌کنند. در سطح کلان، استفاده از چنین ابزارهایی می‌توان نااطمینانی حاصل از نوسان نرخ ارز را از بین برد و انتظارات نسبت به آینده را بهبود بخشید. بنابراین با اجرای چنین قراردادهایی جلوی تقاضاهای ناگهانی ارز گرفته شده و از شدت حملات سفته‌بازی کاسته می‌شود. این ابزار، با چالش‌های فقهی روبه‌روست که با کمی تغییر در ساختار آن، چالش‌های فقهی آن مرتفع می‌شوند. بدون اینکه در کارکرد آن خللی پیش آید (میسمی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۳. قیمت شناور مدیریت شده

یکی دیگر از مسائلی که تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی به آن وابسته است، قیمت‌گذاری صحیح نرخ ارز است. قیمت ارز نقش تنظیم‌گری در روابط اقتصادی کشور با اقتصاد بین‌الملل را ایفا می‌کند و هرگونه تغییر در آن اثر مستقیمی بر شرایط اقتصادی کشور دارد. با توجه به ساختار اقتصاد کشور، نرخ ارز تأثیر مستقیم بر واردات، صادرات و تولید دارد. از این‌رو، هرگونه تغییر در نرخ ارز نیازمند مطالعات وسیع در این حوزه است؛ چراکه هرگونه تصمیم‌گیری اشتباه در تعیین نرخ ارز، سبب ایجاد بستری برای بحران در اقتصاد کشور خواهد شد.

قیمت ارز توسط نظام نرخ ارز مشخص می‌شود. منظور از نظام نرخ ارز، سازوکاری است که براساس آن نرخ ارز تعیین می‌شود. تاکنون نظام‌های نرخ ارز زیادی طراحی شده که دو شکل افراطی آن عبارتند از نظام شناور آزاد و نظام ثابت.

نظام شناور آزاد، نظامی است که در آن مسئولان اقتصادی هیچ‌گونه تلاشی در جهت مدیریت و تثبیت نرخ ارز و یا دخالت برای پایین یا بالابردن نرخ ارز به‌طور سیستماتیک از طریق تغییر نرخ بهره یا اعمال سیاست پولی انجام نمی‌دهند. حتی مسئولان هیچ‌گونه کنترلی را بر حرکت سرمایه اعمال نکرده و یا کنترل‌های موجود را حذف نمی‌کنند؛ زیرا هیچ‌گونه دغدغه‌ای از جهت تأثیر جریان خروج و ورود سرمایه بر نرخ ارز وجود ندارد. بنابراین در نظام شناور آزاد، مدیریت نرخ ارز اعتماد به بازار است (یاوری، ۱۳۸۴).

در مقابل نظام ارزی شناور آزاد، نظام ارزی ثابت قرار دارد. براساس

تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی است، می‌رسد. با توجه به اهداف سیاستی اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران و مدل شوک‌ها، اصل کلی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی، نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده است؛ چراکه یکی از اهداف سیاستی اقتصاد مقاومتی، تقویت تولید ملی و توسعه صنایع صادراتی (درونزا و برونزرا) است که این هدف با نظام نرخ ارزی شناور سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا تورم داخلی در اقتصاد ایران و ثبات نسبی نرخ ارز، سبب ارزان شدن نسبی نرخ ارز شده است؛ که این امر گسترش واردات و تضعیف تولید داخل را در پی داشته است. از سوی دیگر، ارزان تر شدن نسبی نرخ ارز، سبب کاهش قدرت رقابت تولیدات صادراتی کشور شده است. از این رو، برای تقویت تولید داخل و صنایع صادراتی نرخ ارز باید به نرخ حقیقی خود که در نظام نرخ ارز شناور توسط بازار تعیین می‌گردد، نزدیک شود. همچنین ویژگی‌های ساختاری مانند سطح ذخایر ارزی و نرخ تورم، نظام نرخ ارزی شناور را می‌طلبند. این امر به این دلیل است که در نظام نرخ ارز ثابت، برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز، نیاز زیادی به ذخایر ارزی برای پاسخ‌گویی به تقاضای ارز است؛ در حالی که ذخایر کشور پاسخگوی تقاضای ارز در قیمت‌های پایین تر نیست. همچنین تورم حاکم بر اقتصاد ایران، مانع اساسی تثبیت نرخ ارز است؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد، سبب ایجاد خلل در قیمت‌های نسبی شده و باعث گسترش واردات و کاهش توان رقابتی تولیدات صادراتی می‌شود. بنابراین تورم حکم می‌کند که نرخ ارز متناسب با آن افزایش یابد. شوک‌های وارده بر نظام ارزی، مانند حملات سفته‌بازی نیز سبب می‌شود اجرای نظام نرخ ارز شناور در اولویت قرار گیرد؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که همواره نظام ارزی را تهدید کرده و در سال‌های اخیر آسیب زیادی به آن وارد کرده است، حملات سفته‌بازی بوده و همان‌گونه که ذکر شد، در نظام نرخ ارز شناور فرصتی برای این حملات وجود نخواهد داشت.

از سوی دیگر، برخی ویژگی‌های ساختاری و شوک‌های وارده بر نظام ارزی، اجرای نظام نرخ ارز شناور را با مشکل مواجه می‌کند. برای مثال نوسانات دائمی درآمد ارزی دولت که نتیجه نوسانات درآمدهای نفتی، که خود حاصل نوسان مقدار تولید و قیمت جهانی نفت است، سبب بروز نوسانات دائمی در بازار ارز شده و ثبات را از این بازار سلب می‌کند. همچنین تحریم‌های گوناگون سبب بروز

اقتصاد، نیازمند نظام نرخ ارز خاص خود است. برای مثال، میزان باز بودن اقتصاد، رابطه منفی با شناور بودن نظام نرخ ارز آن اقتصاد دارد؛ و یا درجه پیوستگی با بازارهای مالی، رابطه مثبتی با میزان شناور بودن نظام نرخ ارز دارد. دیگر ویژگی‌های ساختاری اقتصاد، مانند سطح ذخایر و تحرک سرمایه، وسعت تجارت با شرکای تجاری و نرخ تورم، هر کدام نظام نرخ ارز متناسب با خود را می‌طلبند (همان).

ج. نوع و ماهیت شوک‌های وارد بر اقتصاد: انواع مختلف شوک‌های وارد بر اقتصاد، تعیین‌کننده نظام نرخ ارزی متفاوت هستند. برای مثال، زمانی که شوک‌ها از بازار پول داخلی سرچشمه گرفته‌اند، براساس دیدگاه متعارف، نرخ ارز ثابت در تثبیت تولید مؤثرتر خواهد بود. در مقابل وقتی اقتصاد با شوک‌های واقعی مواجه است، نرخ ارز شناور مناسب‌تر است (همان).

د. آسیب‌پذیری از بحران (حملات سفته‌بازی): یکی از عواملی که در انتخاب نظام‌های نرخ ارزی مطرح می‌شود، میزان آسیب‌پذیری آنها از بحران‌های اقتصادی، به‌ویژه حملات سفته‌بازی است. تقاضای سفته‌بازی در بازار ارز، به‌منظور کسب سود از نوسانات بازار ارز انجام می‌شود. اصلی‌ترین عامل ایجاد سفته‌بازی، تفاوت میان ارزش حقیقی و ارزش اسمی پول ملی است. سفته‌بازان در صورتی که احساس کنند ارزش حقیقی ارز بیش از ارزش اسمی آن در زمان حال است؛ به امید آنکه در آینده ارزش اسمی آن افزایش پیدا کند، اقدام به خرید ارز می‌کنند. اما یک نظام نرخ ارز شناور، فرصتی برای ایجاد بحران سفته‌بازی روی پول ملی را به وجود نمی‌آورد؛ زیرا در نظام نرخ ارزی شناور، فرض بر این است که ارزش ارز با توجه به نیروی عرضه و تقاضای بازار مشخص می‌شود، که به معنای یکسان بودن ارزش اسمی، با ارزش حقیقی آن است. بنابراین انگیزه‌ای برای شروع حملات سفته‌بازی وجود نخواهد داشت (یاوری، ۱۳۸۴).

ه. تحریم‌های مالی: یکی دیگر از عواملی که در سال‌های اخیر با افزایش استفاده از ابزار تحریم‌های مالی توسط آمریکا، در انتخاب نظام ارزی مناسب مطرح شده است، مسئله تحریم‌های مالی است. تحریم‌های مالی، باعث ایجاد خلل در جریان ورود و خروج ارز و سرمایه در کشور و در نتیجه سبب ایجاد مشکل در فرایند کارکرد بازار ارز می‌شود. از این رو، انتظار می‌رود این عامل با نظام نرخ ارز شناور رابطه منفی داشته باشد.

اکنون نوبت به بررسی بهترین نظام نرخ ارز که تضمین‌کننده

د. ایجاد وابستگی؛ با نگهداری ارز کشور ثالث، منافع کشور با منافع کشور ثالث پیوند می‌خورد. برای مثال زمانی که چین اقدام به نگهداری ذخایر خود به شکل اوراق قرضه آمریکا که براساس دلار است، کرد؛ ارزش ذخایرش با ارزش دلار پیوند خورده و هرچه که دلار را تضعیف کند به‌مثابه تضعیف ذخایر راهبردی چین است.

ه. تحت سلطه قرار گرفتن کشور؛ نگهداری عمده ارز یک کشور، به نوعی آینده کشور را به تصمیمات کشوری که مالک آن ارز است، گره می‌زند و استقلال سیاسی کشور را با مخاطره همراه می‌کند؛ چراکه با نگهداری عمده ارز کشور ثالث، ذخایر ارزی در اختیار کشور ثالث و بانک مرکزی آن قرار گرفته و آن کشور در صورت زاویه پیدا کردن، می‌تواند با ابزارهای گوناگونی مانند بلوکه کردن دارایی، تحریم مالی و... کشور را تحت فشار قرار دهد. در این صورت کشور همواره تحت فشار روانی بوده و نمی‌تواند آزادانه و به شکل مستقل تصمیم‌گیری کرده و منافع خود را دنبال کند.

به همین دلایل است که محدودسازی کارکرد ذخیره ارز در سطح کلان، به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود. براساس این اصل، کشور نباید به ذخایر ارزی به‌عنوان ذخایر راهبردی کشور نگاه کند. بلکه ذخایر ارزی بایستی تنها به میزان ضروری و موردنیاز نگهداری شده و مازاد بر آن به شکل‌های دیگر، مانند طلا و دیگر دارایی‌ها، نظیر سهام شرکت‌های معتبر و... نگهداری شود.

۳-۴. محدودسازی تقاضای سفته‌بازی

اقتصاددانان برای تقاضای پول سه انگیزه بیان می‌کنند. این سه انگیزه عبارتند از: معاملاتی، احتیاطی و سفته‌بازی. با اندکی تصرف می‌توان همین تقسیم‌بندی را در بازار ارز و تقاضای آن پیاده کرد. بنابراین انگیزه مبادلاتی ارز، آن مقدار ارزی است که برای مبادلات بین‌المللی، واردات کالا یا خدمات و یا خروج سرمایه تقاضا می‌شود. تقاضا به انگیزه احتیاطی نیز، آن مقدار ارزی است که اشخاص و فعالان اقتصادی و حتی دولت به‌منظور تأمین هزینه‌های ارزی پیش‌بینی‌نشده، نگهداری می‌کنند. اما انگیزه تقاضای سفته‌بازی در بازار ارز، کمی با انگیزه تقاضای پول در بازار پول متفاوت است. انگیزه سفته‌بازی در بازار پول به‌منظور گریز از زیان نگهداری دارایی‌هایی غیر از پول است. اما در بازار ارز، فرد علاوه بر انگیزه حفظ ارزش دارایی

نااطمینانی در بازار ارز شده و می‌تواند سبب بروز نوسانات شدید باشد. با توجه به این نکات، نظام نرخ ارز شناور مدیریت‌شده می‌تواند بهترین گزینه برای کاهش آسیب‌های نظام ارزی باشد. در این نظام ارزی، هم می‌توان از مزایای نظام نرخ ارز شناور سود جست و هم از آسیب‌های آن در امان بود. در این نظام نرخ ارزی، دولت با مدیریت بازار ارز، نرخ ارز را در سطح تعادلی کنترل می‌کند و با مدیریت خود نوسانات گذرا را از بین می‌برد.

۳-۳. محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش در سطح کلان

یکی از کارکردهای ارز به‌عنوان یک پول جهان‌روا، ذخیره ارزش در کنار وسیله مبادله و معیار سنجش است. بانک‌های مرکزی به‌منظور تأمین مالی کسری تراز پرداخت‌ها، تأمین نقدینگی مبادلات بین‌المللی، کاهش ریسک دارایی‌ها، افزایش توان رقابتی کشور در امور سرمایه‌گذاری، کنترل ریسک‌های نقدینگی، ایجاد ثبات در بازار ارز، ایجاد عایدی و درآمد برای کشور، اقدام به نگهداری ارزهای خارجی می‌کنند. اما در کنار این انگیزه‌ها، نگهداری ارز به‌منظور ذخیره ارزش با مشکلات جدی نیز روبه‌روست. برخی از این مشکلات عبارتند از:

الف. تورم جهانی: در دوران معاصر، ارزها با جدا شدن از پشتوانه‌های خود و شناور شدن ارزش آنها، همواره با خطر کاهش ارزش روبه‌رو هستند. با نگاهی به ارزش ارزها می‌بینیم که ارزش اکثر ارزهای بین‌المللی در برابر طلا، در طول ۲۰ سال گذشته کاهش چشمگیری داشته‌اند. براساس مطالعات، در صورت نگهداری ذخایر راهبردی به شکل ارز، قدرت خرید آن سالیانه حدود ۹ درصد کاهش می‌یابد (www.goldprice.org).

ب. بحران‌های مالی: در صورت وقوع بحران مالی، که به‌طور معمول در اقتصاد جهانی وجود دارد، ارزش ذخایر به شکل ناگهانی و به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت.

ج. نوسانات نرخ ارز: تغییر قیمت ارزها نسبت به یکدیگر که براساس شرایط اقتصادی کشورها، شرایط اقتصاد جهانی و بحران‌های مالی به وجود می‌آیند، مخاطرات نگهداری ارز به‌عنوان ذخیره ارزش را افزایش می‌دهند. نوسان نرخ ارز کشورها به‌همراه نااطمینانی حاصل از آن، سبب ورود نااطمینانی به اقتصاد کشور می‌شود و تصمیم‌گیری‌های کلان را با مخاطره بیشتری همراه می‌کند.

کرده و از افزایش ناگهانی تقاضا به منظور حفظ ذخیره ارزش جلوگیری کنند. راهکارهایی که برای محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش پیش‌نهاد شده‌اند، عبارتند از: کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی و وضع مالیات بر معاملات ارزی.

۳-۶. سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی در تخصیص ارز

یکی دیگر از اصولی که اجرای آن برای مدیریت تقاضای ارز ضروری به نظر می‌رسد، اصل سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی در تخصیص ارز است. اجرای این اصل زمانی ضرورت می‌یابد که به دلیل مزاد تقاضای بسیار، عرضه ارز جوابگو نبوده و نرخ ارز تمایل به افزایش نسبتاً زیادی دارد. از آنجاکه کشور در برخی کالاهای اساسی و برای تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای صنایع، وابسته به واردات است، افزایش زیاد نرخ ارز، سبب بروز بحران در نظام اقتصادی و حتی نظام‌های دیگر نظیر نظام اجتماعی کشور می‌شود. از این‌رو، در چنین شرایط بحرانی، عمل به اصل سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی در تخصیص ارز ضرورت می‌یابد.

بنابر این اصل، هنگام بحران ارزی، دولت به‌منظور کاهش آسیب‌های بحران، اقدام به اولویت‌بندی تقاضاهای ارز کرده و طبق اولویت اقدام به عرضه ارز می‌کند. بر این اساس کالاهای اساسی همچون مواد غذایی و دارویی و برخی از مواد اولیه صنایع در اولویت تخصیص ارز قرار می‌گیرند.

البته این نکته را نباید فراموش کرد که به دلیل عوارضی که این اصل برای نظام ارزی و اقتصاد دارد، اجرای این اصل آخرین حربه برای جلوگیری از ورود بحران ارزی به نظام اقتصادی کشور است.

اولویت‌بندی در تخصیص ارز می‌تواند خود سبب نوسان در نرخ ارز شود، که عوارض آن نسبت به افزایش نرخ ارز بیشتر است. اخبار ضد و نقیض در مورد تغییر سیاست‌های تخصیص ارز و اولویت‌بندی‌ها، عدم توانایی دولت در پوشش ارز موردنیاز، تأخیر در تخصیص ارز و... سبب بروز نااطمینانی نسبت به آینده می‌شود که در پی آن، بازار و صنایع نمی‌توانند نسبت به آینده، پیش‌بینی صحیحی داشته باشند.

همچنین اولویت‌بندی در تخصیص ارز، سبب بروز فساد می‌شود. از این‌رو، استفاده از این اصل سیاستی، جز در موارد ضروری توصیه نمی‌شود. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که اجرای این اصل، نباید منحصر به ارز واحد شود؛ چراکه ارائه یک ارز واحد

خود، که معمولاً به شکل پول ملی است، به‌منظور کسب سود از نوسانات بازار ارز، اقدام به تقاضا و خرید آن می‌کند.

مشکل‌ترین قسم تقاضا در مورد پیش‌بینی مقدار آن توسط سیاست‌گذار به‌منظور مدیریت بازار ارز، همین قسم تقاضای سفته‌بازی ارز است. چراکه تقاضای معاملاتی و احتیاطی را می‌توان براساس حساب جاری تخمین زد. اما تقاضای سفته‌بازی به عوامل زیادی بستگی دارد که تخمین زمان تقاضا و مقدار آن را با دشواری مواجه می‌کند.

علاوه بر این مباحث، تقاضای سفته‌بازی ارز در شرایط کنونی اقتصاد ایران به دلیل نقدینگی وسیع ایجاد شده در سال‌های اخیر، رکود و نااطمینانی حاکم بر صنایع داخلی و غیرشفاف بودن آینده اقتصاد کشور، قدرت بسیاری یافته و همگی این عوامل سبب شده‌اند تا تقاضای سفته‌بازی به‌صورت یک قدرت سهمگین، همواره بازار ارز را تهدید کند.

از این‌رو، برای مدیریت بازار ارز، کنترل تقاضای سفته‌بازی و از بین بردن بسترهای ایجادکننده آن ضروری به نظر می‌رسد. اقتصاددانان برای کنترل تقاضای سفته‌بازی پیشنهادها گوناگونی ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حذف انگیزه سفته‌بازی به‌وسیله حذف فاصله قیمت اسمی و حقیقی ارز، کنترل نقدینگی، ممانعت از افزایش ناگهانی سرعت گردش پول و مالیات بر معاملات ارزی.

۳-۵. محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش در سطح خرد

یکی دیگر از انگیزه‌های تقاضای ارز، تقاضای ارز به‌عنوان ابزاری برای ذخیره ارزش دارایی است. به این صورت که افراد در شرایطی که تورم جهانی کمتر از تورم داخلی است، برای حفظ ارزش دارایی‌های نقدی خود، اقدام به تقاضا و خریداری ارز خارجی می‌کنند.

این نوع تقاضای ارز، زمانی تبدیل به بحران ارزی می‌شود که کشور به‌طور ناگهانی درگیر تورم شدید شود. در این صورت، افرادی که دارایی خود را به شکل نقد نگهداری می‌کنند، برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت دارایی‌های جانشین، مانند طلا و ارز هجوم می‌آورند. در این صورت تقاضای ارز به شکل ناگهانی افزایش یافته و توجه سفته‌بازان را به این بازار جلب می‌کند. با همراه شدن تقاضای سفته‌بازان، مزاد تقاضای شکل گرفته در بازار ارز افزایش یافته و بحران ارزی شدت می‌یابد. از این‌رو، سیاست‌گذاران پولی برای مدیریت بازار ارز، بایستی کارکرد ذخیره ارزش را محدود

استفاده کند. برای مثال، می‌تواند واردات کالاهای غیراساسی را مشروط به صادرات و ورود ارز کند. به عبارت دیگر، تنها کسانی اجازه واردات خواهند داشت، که یا خود اقدام به صادرات کرده‌اند و یا از امتیاز صادرات دیگران استفاده کنند.

نتیجه آنکه در زمان بحران، علاوه بر افزایش تقاضا به انگیزه‌های سفته‌بازی و حفظ ارزش دارایی نقدی، عرضه نیز به انگیزه کسب سود بیشتر در آینده کاهش می‌یابد. در این شرایط با عمل به اصل الزام عرضه ارز در شرایط بحرانی، می‌توان بحران را مدیریت کرده و از شدت آن کاست.

البته نباید فراموش کرد که این اصل تنها در شرایط بحرانی کاربرد دارد و در شرایط عادی، باید به فعالان اقتصادی اجازه داد براساس منافع خود تصمیم‌گیری کنند؛ چراکه فعالان اقتصادی با مدیریت عرضه ارز خود، جلوی نوسانات کوچک نرخ ارز را می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

نظام ارزی مرز میان اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی است. با توجه به ساختار خاص اقتصاد کشور، وابستگی به درآمدهای نفتی و مشتقات آن، وابستگی به واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و واسطه‌ای، صنایع داخلی و کالاهای سرمایه‌ای، نقش نظام ارزی پررنگ می‌شود. بنابراین برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی و همچنین به‌منظور کارکرد صحیح و بی‌نقص نظام اقتصادی، نظام ارزی باید بدون مشکل به وظایف خود عمل کرده و نه خود سبب بروز تکانه و بحران شود و نه اجازه ورود بحران را به اقتصاد کشور بدهد.

پیش از شروع به طراحی نظام ارزی جدید، به یک نقشه راه و مسیر مشخص نیاز است تا طبق آن، فرایند طراحی نظام ارزی جدید انجام گیرد. اصول حاکم بر نظام ارزی مطلوب از دید اقتصاد مقاومتی، همان نقشه راهی است که براساس آن طراحی نظام ارزی جدید شکل می‌گیرد. اصول حاکم به‌عنوان یک سری بایدها و نبایدها و قواعد کلی، نکاتی که باید در طراحی نظام ارزی جدید به آنها توجه شود را گوشزد می‌کند.

در این مقاله ابتدا برای ساده شدن بحث، این اصول به دو بخش ساختاری و سیاستی تقسیم شده‌اند. اصول ساختاری نظام ارزی مطلوب از نگاه اقتصاد مقاومتی عبارتند از: استفاده از پیمان پولی، استفاده از پول فراملی، تنوع سبد ارزی، تنوع مسیر انتقال ارز، تنوع

براساس نرخ دولتی، سبب تمرکز صادرات و واردات براساس آن ارز می‌شود، که خود همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، آسیب‌زا است.

۳-۷. تنوع منابع عرضه ارز

برای داشتن نظام نرخ ارزی شناور مدیریت‌شده، وجود بازار عمیق ارزی نیاز است. اما بازار ارز در اقتصاد ایران، با انحصار در عرضه ارز مواجه است. در اقتصاد ایران به دلیل آنکه نفت و مشتقات آن بیشترین سهم را در صادرات و در پی آن، بیشترین سهم را در عرضه ارز دارند، بازار ارز در انحصار درآمدهای نفتی و به عبارت دیگر، دولت درآمده است.

از این‌رو، برای اینکه بتوانیم نرخ حقیقی ارز را به‌دست آوریم، ابتدا باید انحصار در عرضه ارز را از بین ببریم. این کار، با کاهش نقش دولت در عرضه ارز به‌وسیله کاهش اثر ارزهای نفتی در بازار ارز داخلی و تنوع منابع عرضه ارز انجام خواهد پذیرفت. دولت می‌تواند با حمایت از صادرات و بخش‌هایی که پتانسیل صادراتی دارند، مانند شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های فنی، مهندسی و کنسرسیوم‌های صادراتی و شرکت‌های مدیریت صادرات، به بخش عرضه در بازار ارز تنوع بخشیده و رقابت را به آن بازگرداند. بنابراین، اصل تنوع منابع عرضه ارز، به‌منظور مدیریت عرضه در بازار ارز، با ایجاد ساختار بازار رقابتی عمیق، سبب استحکام نظام ارزی و تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی خواهد شد.

۳-۸. الزام به عرضه ارز در شرایط بحرانی

یکی دیگر از عواملی که هنگام نوسانات نرخ ارز، سبب بروز بحران می‌شود، عدم تمایل به عرضه ارز توسط عرضه‌کنندگان آن است. زمانی که نرخ ارز به هر دلیلی شروع به افزایش می‌کند، عرضه‌کنندگان ارز انتظار ادامه افزایش نرخ ارز را دارند. از این‌رو، به طمع سود بیشتر و گران‌تر فروختن ارز خود و یا به انگیزه حفظ ارزش دارایی نقد خود و قدرت خرید آن و یا حتی به انگیزه سفته‌بازی، از عرضه آن به بازار خودداری می‌کنند. در این صورت، کاهش عرضه، سبب نوسان بیشتر نرخ ارز و شدیدتر شدن بحران می‌شود.

در این هنگام، نقش دولت به‌عنوان تنظیم‌گر بازار پررنگ‌تر می‌شود. در این حالت دولت برای حفظ آرامش بازار ارز بایستی دارندگان ارز را ملزم به عرضه آن در بازار ارز کند. دولت برای الزام به عرضه ارز توسط صادرکنندگان، می‌تواند از شیوه‌های گوناگونی

منابع.....

- استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۶، *نگاهی نو به جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، سرچشمه.
- باستانی فر، ایمان، ۱۳۹۵، «مقاومت در نظام پولی و ارزی و الزامات ساختاری آن در شرایط تهدید اقتصادی»، *آفاق امنیت*، سال نهم، ش ۳۱، ص ۵-۲۷.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۶، *خاکریز اقتصادی خوانشی بر اقتصاد مقاومتی*، قم، کانون اندیشه جوان.
- دینی ترکمانی، علی، ۱۳۹۱، «چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیستم، ش ۶۱، ص ۱۹۳-۲۱۶.
- سیف، الله‌مراد و موسی خوش کلام خسروشاهی، ۱۳۹۲، «نظام مطلوب اقتصادی ایران در اقتصاد مقاومتی»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هجدهم، ش ۵۴، ص ۱۸۱-۲۰۴.
- عربی، سیده‌ادی، ۱۳۸۰، «بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب نظام ارزی»، *نامه مفید*، ش ۲۷، ص ۷۷-۹۸.
- فرهادی، علیرضا، ۱۳۸۳، «بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، *برنامه و بودجه*، ش ۸۴، ص ۲۷-۵۸.
- قوامی، سیدحسین، ۱۳۹۵، «ضرورت و کارکردهای پیمان‌های دو یا چندجانبه در شرایط تهدید و تحریم اقتصادی»، *آفاق امنیت*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۱۳۹-۱۵۶.
- کمبجانی، اکبر و محمد نادعلی، ۱۳۸۴، «انتخاب نظام ارزی مناسب برای اقتصاد ایران با توجه به شوک‌های نفتی وارد بر آن»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هفتم، ش ۲۳، ص ۱-۳۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷، «تحلیلی بر وضعیت بازار ارز، بررسی اقدامات دولت و ارائه پیشنهادها تکمیلی».
- مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۸، «پیمان‌های پولی»، *اقتصاد به زبان ساده*، ش ۳۸، ص ۱-۳۵.
- میریدی، سیاوش، ۱۳۷۳، *فرهنگ اقتصادی*، تهران، پیشبرد.
- مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۳، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، تهران، دانشگاه تهران.
- میسمی، حسین و همکاران، ۱۳۹۳، «بازار تهاثر ارزی در بانکداری بدون ربا جهت سیاست‌گذاری بانک مرکزی»، *پژوهش‌های پولی - بانکی*، سال هفتم، ش ۲۰، ص ۲۵۹-۲۸۳.
- واعظ، محمد و همکاران، ۱۳۹۰، «مدیریت بهینه پرتفوی ارزی، مطالعه موردی: ذخایر رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، *پول و اقتصاد*، ش ۹، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- یاوری، کاظم، ۱۳۸۴، «ویژگی‌های نظام ارزی، رویکرد سنتی و جدید»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۱۶، ص ۱۰۱-۱۳۱.

منابع ارزی، استقلال نهاد پولی. اصول سیاستی نیز عبارتند از: ابزارهای پوشش مخاطرات نوسانات نرخ ارز، قیمت شناور مدیریت‌شده، محدودسازی کارکرد ذخیره ارزش در سطح کلان، مدیریت تقاضای ارز، مدیریت عرضه ارز.

انتظار می‌رود با عمل به این اصول، اقتصاد مقاومتی در نظام ارزی محقق شود. در این صورت، نظام ارزی هنگام بروز تکانه‌های خارجی اعم از تکانه‌های سیاسی و اقتصادی، قادر به جذب تکانه‌ها خواهد بود و از سوی دیگر، ساختار آن به‌نحوی شکل خواهد گرفت که خود، زمینه‌ساز بروز آسیب و بحران نباشد.